



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی در شعر ژاله قائم مقامی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

سرور صبوری

استاد راهنما:

دکتر محمد فولادی

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۳

فروردین ۱۳۸۵

۱۰۲۴۷

دفتر کتابخانه مرکزی
واحد کتابخانه

PIR	
۶۰۵	
۸۵/۱۶۲	

کتابخانه مرکزی
واحد کتابخانه مرکزی

دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی در شعر ژاله قائم مقامی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

مؤلف:

سرور صبوری

استاد راهنما:

دکتر محمد فولادی

استاد مشاور:

دکتر یحیی کاردگر

فروردین ۱۳۸۵

چکیده: ژاله به نظر بیشتر محققان از پایه گذاران ادبیات زنانه است. سروده‌هایش سرشار از نگاه و ذهنیت زنانه است، به گونه‌ای که اگر نامش بر دیوان یا شعرش نباشد، زن بودن صاحب سروده‌ها بی‌درنگ در ذهن خواننده تداعی می‌شود. تأکید ژاله بر جنسیت خود در شعرش بیانگر تلاش وی در جهت شناساندن نوع خود به اجتماع و نیز تغییر نگاه جامعه به زنان است:

من نه مردم، لیک در اثبات این شایستگی شور و غوغا می‌کند افکار دود آسای من

دیوان ژاله قائم مقامی، ص ۸۷

وقوع نهضت مشروطه موجب تحولی بزرگ در افکار ایرانیان شد، این واقعه از دو جهت تأثیر خویش را آشکار کرد: اول، آنکه خواندن و نوشتن عمومی شد و تمایل به ایجاد ادبیاتی که فهمش برای همه میسر باشد و مضامین آن با زندگی عوام تناسب داشته باشد، احساس گردید. دوم، آنکه ارتباط وسیع با غرب سبب پررنگ‌تر شدن مضامین آزادی، وطن، ملیت و انتقادهای سیاسی و اجتماعی به شعر و ادب شد. در فصل اول، ضمن بر شمردن ویژگی‌های نهضت مشروطه، درباره تأثیر آن بر شعر و ادبیات آن دوره و نیز ویژگی‌های ادبی عصر رضاشاه بحث شده است. در فصل دوم با مروری مختصر به جایگاه زن از دوره باستان تا عصر رضاشاه، دوره زن سالاری، مرد سالاری و نیز اندیشه همسانی حقوق زنان با مردان بررسی شده است. در فصل سوم، زمینه‌های فکری و اجتماعی ژاله در سرودن شعر، ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد شعرش و نیز ظرایف و نکات ادبی دیوانش مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه:

ژاله قائم مقامی، شعر زن، شعر مشروطه، عالم تاج

فهرست مطالب

مقدمه

۱-۲

۴-۷

● فصل اول: سیر تحول شعر از مشروطه تا پهلوی دوم

- مروری بر ادبیات مشروطه

- پیش زمینه‌های ادب مشروطه

۱. نفوذ اقتصادی غرب

۲. برخورد و ارتباط با غرب از جهت سیاسی و ایدئولوژیکی

۸-۲۶

- وضعیت عمومی ادبیات در دوره مشروطه

۱. عامه فهم بودن

۲. صراحت

۳. رسانه‌ای بودن

۴. نوجویی

۵. عمومی شدن شعر

۶. کاربرد واژه‌های جدید

۷. پرهیز از لفاظی زبان

۸. تحول در قالب شعر

۹. گسستن از باورهای دینی

۱۰ توجه به فردیت

۱۱. تحول در مضامین و محتوا

۱۲. تجربه‌گرایی

۱۳. عاطفی بودن

۲۷-۳۶

- ویژگی‌های ادبی دوره رضاشاه

۲۹

۱. در عرصه اندیشه و محتوا

(الف) ترویج اندیشه ملیت و فرهنگ ملی (ناسیونالیسم افراطی)

(ب) رواج اندیشه‌های غیر مذهبی (سکولاریسم)

- اظهار خشنودی از رژیم و کارهای او

- کم رنگ شدن اندیشه سیاسی

- پیدایش رمانتیسم

- رواج ادبیات تعلیمی

- توجه به ادبیات باستانی

- رکود در شعر

۳۴

۲. در عرصه شکل

۳۵

۳۷-۵۱

۳۸

۴۸

۵۲-۱۲۵

۵۳

۵۷

۶۳-۱۲۵

۶۳

۳. در عرصه زبان شعر

● فصل دوم: زن از مشروطه تا پهلوی دوم

- زن و مشروطه

- رضاشاه و زنان

● فصل سوم: بررسی و نقد شعر ژاله

- زندگی او

- ژاله شاعری گمنام

- گستره شعر او

۱. اشعار شخصی ژاله

الف) ژاله در نقش مادر

ب) ژاله در نقش همسر

ج) گفت و گوی ژاله با اشیا

چرخ خیاطی

شانه

نیم تنه زنانه

فرگیسو

سماور

آئینه

۷۵

۲. اشعار اجتماعی و فرهنگی ژاله

الف) ژاله و دفاع از حقوق اجتماعی و فرهنگی زنان

- همسانی زن و مرد

- استقلال اقتصادی زنان

- آزادی بیان و عقیده

- کسب علم و دانش

- حقوق اجتماعی زنان

ب) بازتاب اوضاع و احوال اجتماعی در شعر ژاله

- فضای سیاسی و فرهنگی جامعه

کشف حجاب

طرح مسئله آزادی بیان

لزوم اخذ علم و صنعت عربی

- نظام خانواده

مرد در شعر ژاله

زن در شعر ژاله

جایگاه مرد و زن در خانه

۱۰۲-۱۲۵

ازدواج

وضع زنان بیوه

طلاق

فرزند

تعلیم و تربیت

چندزنی

ویژگی های شعر او

ژاله از خود می گوید

درون گرا

زنانه بودن شعرش

حسرت

بدبینی و یأس

زنان پرخاشگر

صراحت و جسارت

عدم تنوع مضامین

تأثیر قرآن و حدیث در شعر ژاله

خودستایی

عالم تاج و عشق

گرایش به خرافات

ژاله و دیگر شاعران زن هم دوره او

۱۲۶-۱۳۴

- بررسی شعر ژاله از لحاظ ادبی

۱. عاطفه

۲. تخیل

۳. زبان

۱۳۵

- کتابشناسی ژاله قائم مقامی

۱۳۶-۱۳۹

- کتابنامه

مقدمه

نمودن چهره واقعی و بی نقاب زن، شفاف کردن هویت واقعی زنان و نشان دادن تجربیات خاص زنانه در ادبیات و نیز آشنا شدن با یکی دیگر از چهره‌های مظلوم و گمنام ادبیات زنانه، هر ذهن کنجکاوی را به سوی بررسی شعر زنانه فارسی می‌کشاند.

ادبیات فارسی همواره بستر سخن و زبان مردان بوده و حتی زنان شاعر نیز جرأت بر هم زدن این سنت دیرینه را نداشتند و با همان زبان و صدای مردانه سخن گفته‌اند و اگر هم زن شاعری پیدا می‌شد که خلاف این عرف و سنت عمل می‌کرد، صدای او در میان صدای مردان جامعه محو می‌گردید و این تفکر تا دوره قاجار بر نظام اجتماعی ایران حاکم بود.

قراردادهای ننگین دولت قاجار با دول بیگانه، تأسیس دارالفنون، اعزام دانشجویان به خارج از کشور، فساد نظام مالی قاجار، تجزیه ایران، جنگ جهانی و اشغال ایران توسط دولت‌های انگلیس و روسیه، رواج چاپ و روزنامه نگاری و ملاحظه رشد علم و تکنیک در غرب و نیز وضعیت متفاوت زنان مهمترین دلایل بیداری روشنفکران و تلاش آنها برای تجدید حیات علمی و فرهنگی بود.

تحولات فوق و نیز شکل‌گیری انقلاب مشروطه و وضعیت جدید اجتماعی امکان طرح مسائل زنان را به صورتی گسترده فراهم ساخت.

ژاله از جمله شاعران زنی بود که دلیرانه از زنان و مشکلات آنان سخن گفت؛ وی در مقایسه با بسیاری از زنان شاعر هم دوره خود، تنها به مسائل و مشکلات زنان می‌اندیشید. او آه یتیم، ناله مردان و زنان زحمت کش و کم‌روزی زمان خود را نمی‌شنود، او سخنور روز و حاکمیت نیست او تنها به نوع خویش می‌اندیشد.

برای بررسی اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی شعر ژاله قائم مقامی (۱۲۶۵ - ۱۳۲۵) به عنوان یکی از زنان شاعر دوره مشروطه و نیز رضاشاه ناگزیر به طرح دو مبحث جداگانه هستیم:

اول: بررسی اجمالی شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوران مشروطه و نیز رضاشاه و بازتاب آن در ادبیات این دوره.

دوم: بررسی جایگاه و موقعیت زن ایرانی در دوره مشروطه و رضاشاه.

بدون تردید، آشنایی با بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی آن روزگار و نیز سیر تحول جایگاه زن ما را به زمینه‌های فکری و ایدئولوژی شاعر نزدیک‌تر می‌سازد؛ افزون بر این، ما را در ترسیم چهره واقعی زن و نیز زندگی و اندیشه زنانه آن دوران یاری می‌رساند.

زمان زندگی ژاله صحنه رویدادهای مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود که دگرگونی‌های فراوانی را در عرصه‌های مختلف برای مردم ایران به ویژه زنان به همراه داشت و این تغییر و تحولات، ادبیات را نیز تحت تأثیر قرار داد و مقدمات رویکرد جدید شعر و نثر را فراهم ساخت.

به این ترتیب ادبیات دورهٔ مشروطه، به عنوان یک دورهٔ ادبی با ویژگی‌ها و شرایط زمان خاص خود شکل گرفت.

در این پایان‌نامه سعی شده است تا عمده‌ترین ویژگی‌های شعر مشروطه از حیث صورت و محتوا مورد بررسی قرار گیرد و علل تاریخی تحول سبک شعر مشروطه و موضوعات مطرح شده در آن تبیین شود. بررسی دیوان شعر ژاله و آشنایی با اندیشه‌های اجتماعی و فرهنگی وی هم سهل بود و هم سخت، محدودیت منابع و نیز محدود بودن اشعار ژاله و اصراز وی بر کتمان باورها و گمنام ماندن، کار را دشوار می‌کرد. از سوی دیگر، صراحت و صداقت شاعر در بیان اندیشه‌ها و عقایدش خواننده را به راحتی به دنیای درون او رهنمون می‌سازد.

در تدوین این رساله، لازم می‌دانم مراتب قدردانی خود را از جناب آقای دکتر فولادی و جناب آقای دکتر کاردگر به عمل آورم. همچنین از سرکار خانم دکتر کراچی به جهت راهنمایی‌ها و نیز در اختیار قرار دادن منابع مورد نیاز نهایت تشکر و سپاس را دارم.

به هر حال، بارگران شرم و آرزم هر کاستی در نوشتار حاضر را به دوش ناتوان خویش گرفته‌ام و از محضر اساتید محترم پوزش می‌طلبم.

فصل اول

سیر تحول شعر از مشروطه

تا پهلوی دوم

مروری بر ادبیات مشروطه

اگر بخواهیم برای ادبیات مشروطه نقطه آغازی تعیین کنیم، باید گفت از یک سو، ریشه در سه دهه آخر پادشاهی ناصرالدین شاه دارد و از سوی دیگر، در جریان نهضت مشروطه و بعد از استقرار مشروطیت در ایران به وجود آمده است؛ که نه ویژگی‌های شعر کلاسیک دوره بازگشت را دارند و نه ویژگی‌های شعر نو نیمایی را می‌توان در آنها سراغ گرفت. [۴۴۷:۱۰]

استاد قیصر امین‌پور، تحول در شعر فارسی در دوره مشروطه را ادامه حرکت طبیعی شعر فارسی و آن را واکنشی طبیعی در برابر رکود دوره بازگشت می‌داند که عواملی مانند شرایط اجتماعی و ارتباط با کشورهای خارجی و... این حرکت را شتاب می‌بخشد. [۲۹۸:۱۴]

شاعران دوره بازگشت که تداوم سنت‌های پیشین شعری را در سر داشتند، آن را با تکرار و تقلید بدون ابتکار، اشتباه گرفتند و شعر را به انحطاط کشاندند. این شاعران بیشتر وابسته به دربار بودند و قصرهای باشکوه شاهان را توصیف می‌کردند و در مدح آنان شعر می‌سرودند و یا در وصف چشم و لب و رخ یار سخن‌سرایی می‌کردند. [۳]

[۱۹]

اما تحولات اجتماعی و سیاسی، از جمله ارتباط با کشورهای خارجی و آشنایی با فرهنگ غربی و اوضاع نابسامان اقتصادی و دست و پنجه نرم کردن مردم با مشکلات متعدد، ضرورت طرح مسائل اجتماعی را در شعر بیشتر نمایان کرد.

افزون بر این، فاصله زمانی سبک هندی و وقوع که با یک واسطه، یعنی با وجود دیواری به نام بازگشت، همسایه دیوار به دیوار دوره مشروطه است، زمینه را برای بروز گسترده‌تر ویژگی‌هایی مانند واقع‌گرایی، الهام از تجارب روزانه و محیط زندگی، نزدیکی به زبان محاوره و کاربرد مثلها، لغات و تعابیر عامیانه، تأکید بر نوآوری و جست و جوی مضامین تازه آماده کرده است. [۱۳: ۲۹۸]

بیشتر شاعران این دوره بدون توجه به تحولات جامعه پیرامون خود، تنها به تقلید از اشعار و سروده‌های گذشتگان می‌اندیشیدند. اما گروهی اندک نیز مانند حزین لاهیجی از اوضاع اجتماعی زمان خود انتقاد می‌کردند و خواستار ایجاد اصلاحاتی در کشور به شیوه اروپاییان بودند؛ و یا سروش اصفهانی که با سرودن شعر تلگراف، گونه‌ای تازگی در شعرش ایجاد کرد.

دوره بازگشت را می‌توان موج سنت‌گرایی خودآگاهانه دانست، اما این رویکرد به سنت، باعث دوری از سنت شد، به این معنا که بازگشتیان هم خود از روح زنده و پویای سنت دور افتادند و هم تکرار و تقلیدهای ناشیانه آنان، موجب ملال و دل‌سیری از سنت شد که در دوره مشروطه این ملال همراه با عوامل اجتماعی دیگر، مقدمات خروج از سنت شعری را فراهم آوردند.

پیش زمینه‌های ادب مشروطه

بدون تردید، ادبیات هر ملتی را می‌توان آینه تمام‌نمای فرهنگ، اجتماع، اخلاق، سیاست، اقتصاد و حتی آرزوها و علایق تک‌تک افراد آن دانست، از این رو، هر تغییر و تحولی در گستره ادب، تابع و مسبوق به تغییراتی است که در هر یک از این عناصر به وجود می‌آید؛ یعنی تا جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و خودشناسی ملتی متحول نشود، محال است که تحول و دگرگونی محسوس در ادبیات آن پدیدار شود. [۸۳: ۴۴۲]

در این جا، برای پی بردن به تفاوت اساسی ادبیات دوره مشروطه با ادبیات کلاسیک و سنتی ایران و تحولات بنیادی که در آن صورت گرفته است، ابتدا گزارشی اجمالی از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره مشروطه ارائه می‌دهیم، سپس زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات مشروطه را بیان می‌کنیم.

فرمان مشروطیت که در سال ۱۳۲۴ هـ ق به امضای مظفرالدین شاه رسید، نتیجه تغییرات و تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود که در جامعه ایران به وقوع پیوست. بدون تردید، سلسله علل را

می‌توان نفوذ و تأثیر فرهنگ غرب در تمام زمینه‌ها دانست.

نفوذ و تأثیر فرهنگ غرب، به دو شیوه متفاوت جامعه ایران دوره قاجار را تحت تأثیر قرار داد:

۱. نفوذ اقتصادی غرب

آغاز حکومت قاجار در ایران، مقارن بود با رشد روزافزون صنایع و تحولات اجتماعی و سیاسی در کشورهای غربی. غرب به واسطه افزایش تولید کالاهای صنعتی، از سوئی برای صدور کالا و نیز تهیه مواد خام به بازارهای تازه‌ای نیاز داشت و از سوئی برای حفظ این بازارها در پی یافتن مناطق نفوذ در سایر کشورها بود. ایران یکی از این کشورها بود که در دام دو قدرت استعمارگر آن روز یعنی روس و انگلیس گرفتار شد. تلاش این دو ابرقدرت، برای کسب امتیازهای گوناگون، ایران را به کشوری نیمه مستعمره بدل کرده بود. [۲: ۵۴]

با گسترش نفوذ سیاسی دولت‌های روس و انگلیس در ایران و امضای قراردادهای نابرابر، از جمله واگذاری انحصار تنباکو و توتون و وابسته کردن حکومت‌های قاجار به بیگانه از طریق وام‌های پربهره و نیز از بین رفتن صنایع داخلی به دلیل مصرف کالاهای خارجی، به تدریج اندیشه استقلال سیاسی و اجتماعی و نهضت‌های ضد استعماری گسترش یافت و به تحولات فرهنگی مهمی انجامید.

... شکست‌های نظامی به امتیازات دیپلماتیک منجر شد، امتیازات دیپلماتیک، امتیازات تجاری را به

دنبال آورد، امتیازات تجاری راه‌های نفوذ اقتصادی را هموار ساخت و نفوذ اقتصادی نیز صنایع

سنتی را تضعیف کرد و در نتیجه آشفتنی‌های شدیدی پدید آمد. [۱: ۶۷]

۲. برخورد و ارتباط با غرب از جهت سیاسی و ایدئولوژیکی

در حوزه سیاسی، وقوع انقلاب کبیر فرانسه در اوایل عهد قاجار، جنگ‌های ایران با روس و شکست‌های پی در پی و جنگ جهانی اول و نیز انقلاب اکتبر روسیه، زمینه‌های انقلاب مشروطه را در ایران فراهم کرد. [۳: ۲۲۶]

در این بین، روشنفکران، رهبران مذهبی و سیاسی، انجمن‌های مخفی و نیمه مخفی، در دگرگونی سیاسی جامعه آن روز ایران نقش مهمی داشتند؛ آنها ضمن آشکار ساختن فساد حاکم بر نظام استبدادی قاجاری، جنبه‌های منفی حکومت را به مردم گوشزد می‌کردند.

همچنین با سفر برخی شاهان و درباریان قاجار و نیز روشنفکران به غرب و در نتیجه برخورد فرهنگ ایرانی

اسلامی با فرهنگ غرب ساختار نظام اجتماعی ایران تغییر کرد.

اگر اصلاحات میرزا تقی خان امیر کبیر و مخصوصاً تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۶۸ ق به ابتکار و اهتمام او و دعوت آموزگاران خارجی جهت تعلیم علوم جدید اروپایی به فرزندان ایران را نخستین قدم در این راه بشماریم. بعد از آن، دو سفر سید جمال الدین افغانی به ایران در سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۷ ق و تبلیغات دامنه‌دار او بر ضد استبداد و لزوم اصلاحات و کوشش پیروان و یاران پرشور وی، هر کدام در بیداری افکار ایرانیان اثرات قطعی داشتند. همچنین روشنفکران و آزادی خواهان ایران که از مدت‌ها پیش فقر مادی و معنوی کشور را در یافته و نگران اوضاع بودند، در خارج از کشور دست به قلم بردند و به وسیله روزنامه و کتاب به روشن کردن ذهن مردم و تربیت فکر آنان

پرداختند. [۳: ۲۲۵]

نخستین چاپخانه‌ها و کارخانه‌های صنعتی در همین سال‌ها راه اندازی شدند، به تدریج بر شمار روزنامه‌های فارسی زبان افزوده شد، انجمن‌های ادبی تشکیل شدند، مدارس سی به سبک نو در ایران راه افتاد، مقدمات تحصیل زنان فراهم گردید، گروهی برای تحصیل به خارج اعزام شدند.

تبادل استاد و دانشجو در دوره ناصری و با سفر گروهی به فرنگ آغاز شد و در سال‌های بعد به جهت استبداد حاکم بر ایران، با مهاجرت روشنفکران و آزادی خواهان به دیگر کشورهای دنیا ادامه یافت و آثار علمی و ادبی بسیاری از زبان‌های خارجی به فارسی ترجمه شد.

برخورد و ارتباط با غرب به ویژه تماس فکری و ایدئولوژیکی از طریق نهادهای نوین آموزشی، زمینه

رواج مفاهیم و اندیشه‌های جدید، گرایش‌های نو و مشاغل جدید را فراهم ساخت. [۱: ۶۶]

عوامل فوق، سبب شد تا عناصر فرهنگی تازه‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و ادبی به فرهنگ ایرانی انتقال یابد؛ از جمله تصویب قانون اساسی، تشکیل مجلس شورا، مطرح شدن حقوق زنان، انتشار روزنامه و نیز راه یافتن مفاهیم و مضامین تازه در شعر. رواج علوم ادبی و شیوه‌ها و انواع ادب اروپایی مثل نقد ادبی، نمایشنامه نویسی و ... نیز ره آورد این دگرگونی‌ها بود. این عوامل در ایجاد نوآندیشی و نهضت فکری مردم ایران نقشی اساسی داشت و فکر و اندیشه ایرانی را در مسیر دیگری قرار داد.

وضعیت عمومی ادبیات در دوره مشروطه

دوره مشروطه، دوره نزاع بر سر سنت و تجدد بود. گروهی که در برابر هر تغییری در شعر سنتی مقاومت کردند و کوشیدند تا در همان شکل و قالب قدیمی مضامین اجتماعی و انتقادی خود را بگنجانند؛ مانند ادیب الممالک فراهانی و بهار، با آن که محتوای اشعارشان سیاسی و مملو از مضامین استبداد ستیزی و میهن دوستی می‌شود، اما زبان شعرشان به طور کلی زبان دوره بازگشت است و همین دوگانگی در زبان و مضامین به کار رفته در شعر سبب شده بود که این زبان فاخر و ادیبانه تاب آن مفاهیم مردمی و اجتماعی را نداشته باشد.

گروه دیگر که بر اثر آشنایی با غرب و مقایسه آن با کشور خود از طریق نوشتن یا ترجمه به نقد اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران می‌پرداختند و به سنت‌های ادبی قدیم و قواعد پوسیده نثر و شعر می‌تاختند و یکی از علل عقب ماندگی ملت خود را همین بی توجهی شاعران پیشین به رسالت و تعهد اجتماعی خود می‌دانستند؛ از جمله میرزا آقاخان کرمانی که رسالت شعر و ادبیات را تأثیر اجتماعی آن می‌داند و معتقد است که هدف شاعران باید تنویر افکار، رفع خرافات و حب وطن و ملت باشد. [۶۱: ۸۱]

این گروه شاعران سعی کردند زبان نوشتار را به زبان گفتار نزدیک کنند و اسلوب‌های تازه‌ای را در جهت بیان مقصود در شعر به کار گیرند و زبان و بیانی متناسب با مضامین مطرح شده در شعر خود بیابند. این سادگی و نزدیکی به زبان مخاطب و محاوره ابتدا در نثر و به مرور زمان در شعر مشروطه جا باز کرد و تکامل یافت.

از این رو، اولین نشانه‌های تغییر و تحول در ادبیات این دوره، در نثر پدیدار شد، زیرا اولاً، در زمینه انواع رمان و قصه و نمایشنامه و نیز مقالات انتقادی و اجتماعی و ادبی و روزنامه نویسی نمونه‌های کاملی در نثر کلاسیک وجود نداشت و امکان هنرنمایی بیشتر وجود داشت؛ دوم آنکه نثر برای بیان مقاصد جدید اجتماعی و

سیاسی بیش از شعر به کار می‌آمد؛ و مدتها طول کشید تا این دگرگونی به شعر فارسی نیز راه پیدا کرد و سنت دوره بازگشت در شعر فارسی، همچنان در همه حوزه‌ها تسلط داشت؛ زیرا شعر سنتی در طی سالیان دراز ذوق عامه را چنان پرورده بود که به راحتی، امکان نداشت تغییر روشن در شیوه شعر و شاعری مورد قبول عام واقع شود.

آجودانی سیر این تغییر و تحولات را این گونه بیان می‌کند:

از اوایل حکومت قاجار تا روزگار قائم مقام، نثر رایج همان نثر منشیانه گذشته بود، یا همه ویژگی‌های آن؛ در این دوره نثر منشیانه و اسلوب انشای درباری که سرشار از سجع‌ها و مترادفات نامأنوس یا بهتر بگوییم نامعقول بود، به واسطه حسن ذوق قائم مقام فراهانی و به واسطه ضرورت‌های خاص زمان به یک سو نهاده شد و به همت همو یک نوع ساده نویسی در نثر آغاز شد که نسبت به نثر گذشته حاوی

نوآوری‌هایی هم بود. [۲: ۱۴۷]

البته تحولی که قائم مقام فراهانی و پیروان او در نثر فارسی پدید آوردند، هر چند گرايشی به سادگی داشت، باز بر همان پایه‌های سبک قدیم نهاده شده بود، و هنوز امکان طرح آن همه مسائل اجتماعی و سیاسی در زبان قائم مقام نبود و تا نثر دوره مشروطه فاصله زیادی بود.

اگر پیش از این نوشتن آثار مغلق و پیچیده و پر از الفاظ عربی نشانه فضل بود، در این دوره ساده‌نویسی و مقبول خاص و عام بودن مظهری از نوآوری و تجدد به حساب می‌آمد. افزون بر کتب علمی و فنی و نظامی که در دارالفنون توسط معلمان اروپایی و با کمک شاگردان ایرانی ترجمه و چاپ شد، کتب تاریخی و داستان‌های زیادی نیز ترجمه گردید. مترجمان خواه ناخواه از سادگی متون اصلی تبعیت کردند و نیز انتشار مقالات در جراید چاپ داخل و خارج از ایران و ورود کتب و رسالات نویسندگان ایرانی مقیم خارج از کشور، کوشش‌هایی که برای پیراستن زبان از الفاظ و ترکیبات ناهموار از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، به ثمر رسید و نویسندگی منشیانه و پرقید و تکلف قدیم... در برابر سیل تجدد عقب نشست و جای خود را به بیانی ساده و روان و موجز داد. [۳: ۲۲۸] یکی دیگر از عواملی که زمینه را برای طرد نثر متکلف فنی فراهم ساخت، شیوه نویسندگان اواخر دوره قاجار است. در این دوره نظریه پردازانی مانند آخوندزاده، میرزا آقا خان کرمانی، طالبوف و زین العابدین

مراغه‌ای، از مدت‌ها قبل از انقلاب مشروطه به سبب نیازهای اجتماعی و سیاسی جامعه ایران و متناسب با ساخت فرهنگی این دوره، ساده‌نویسی و دگرگونی بنیادی در ادبیات را تبلیغ می‌کردند. چنان‌که زین العابدین مراغه‌ای یکی از فواید کتاب معروفش «سیاحت نامه ابراهیم بیک» را اختصار و ساده‌نویسی آن می‌دانست، و یا آخوندزاده نثر روضه الصفاى ناصری را به خاطر قافیه الفاظ مترادفه و تکرارات کثیره مشکل و ناپخته می‌دانست. [به نقل از ۲: ۱۴۸] سفرنامه‌ها نیز که در این دوره رواج بسیار یافته، دارای نثر ساده و طبیعی و بی‌تکلف است.

بنابراین می‌توان گفت در جریان ساده‌نویسی عواملی مانند تغییر وضع سیاسی و اجتماعی ایران و نیاز به طرح مسائل مختلف، شیوه نویسندگان، تنوع و کثرت کارهای دیوانی و آشنایی با ادبیات اروپایی از طریق نهضت ترجمه تأثیر داشته‌اند. ملک الشعراء بهار از جمله شاعرانی است که اقتضای زمان را به خوبی درک کرد. او در نظم به سنت شعر کلاسیک وفادار ماند، اما در نثر شیوه تازه‌ای را در پیش گرفت. او در یادداشت‌های خود در این باره می‌نویسد:

من در نثر کلاسیک همانند شعر ابتدا سبک تاریخ بیهقی را انتخاب کرده بودم، اما میل سیاسی و

احتیاج مردم به نثر ساده باعث شد که سبک نثر نویسی من از نوبه طرزی تازه آغاز شد و یکباره از

مراجعه به سبک قدیم منصرف گردیدم. [۲۲: ۳۸]

همان نظم خاص است و نثر است عام

ندانند کس از شعر، باشد روا

ولی نثر را اگر ندانند خلق

ابا معرفت کی شوند آشنا

از نظر بهار، همین ویژگی «خاص» بودن شعر آن را از تیررس عوام دور نگه می‌دارد. حال آن‌که نثر به جهت

ویژگی «عام» آن و چون مخاطب آن مردم عادی است، باید ساده باشد؛ چرا که مردم از طریق نثر با معرفت آشنا

می‌شوند و حاجت قوم با آن روانی گردد. [۲: ۱۴۹-۱۵۰]

با توجه به شرایط اجتماعی، نثر به تنهایی نمی‌توانست نیازمندی‌های مبلغین آزادی را در بیان احساسات

سیاسی و اجتماعی برآورد و مبارزان انقلاب ناچار بودند که برای تبلیغ اندیشه‌های نوین از شعر یاری جویند و

در واقع قسمتی از وظایف مطبوعات را به عهده شعر واگذارند (اشعار مطبوعاتی). [۴: ۲۸]

در این قسمت، به برخی از ویژگی‌های شعر مشروطه اشاره می‌کنیم:

۱. عامه فهم بودن: با توجه به جریان‌های سیاسی و اجتماعی آن دوره و تأثیر ادبیات اروپایی و گسترش حوزه مخاطبان و کم سوادی آنها، شعر به سوی ساده‌نویسی و عامه فهم بودن گرایش پیدا کرد، به طوری که با هر نوع اغلاق و پیچیدگی در بیان و تصویر دور از فهم مخالف است.

پس اصلی‌ترین علت سادگی نظم و نثر در این دوره، خروج شعر و نویسندگی از انحصار دربار و اعیان و اشراف و فضلا بود.

تا پیش از جنبش مشروطیت شاعر در محیط دربار و درباریان محصور بود و جز به خاطر خوشایند اربابان خود لب به سخن نمی‌گشود و شعرها اغلب در پیرامون شاهد و شراب و شکار و جشن‌ها و اعیاد و فتوحات ممدوح دور می‌زد و گویندگانی که در چنان محیطی پر از ناز و نعمت پرورده شده بودند، از دردها و رنج‌های مردم مطلقاً آگاهی نداشتند. با پیدایش مشروطیت، بساط دربار به هم خورد و شعر در دسترس مردم قرار گرفت. استفاده از زبان عادی طبقات مختلف مردم و به کار بردن عبارات و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های متداول بین عامه، جایگاه ادبیات را در میان مردم بیشتر و مقبول‌تر کرد. [۴: ۲۸] به طوری که با گسترش حوزه مخاطبان، زبان شعر به زبان توده مردم نزدیک می‌شود. البته پائین آمدن سطح سواد ادبی شاعران و بی‌اطلاعی از ادبیات گذشته و نیز بیداری مردم و با سواد شدن آنها از عوامل اصلی مردمی شدن شعر این دوره است. رواج روزنامه نگاری نیز در این امر دخیل بود:

نشر جراید برای عامه زبانی ساده و روان و بی‌پیرایه می‌خواست. شتابی هم که در جراید روزانه در کار بود نویسندگان را مجال تأمل و تکلف نمی‌داد. رفته رفته اسلوب منشیانه و متکلف گذشته منسوخ شد و البته جهل به اسالیب قدما و عدم انس به آثار متقدمان هم از اسباب عمده این ساده‌گرایی بود. [۴۱]:

[۴۵۶ - ۴۵۷]

۱. اگر چه نشانه‌هایی از توجه به ادبیات عامه را در ادب دوره صفوی مشاهده می‌کنیم، اما دلیل آن را می‌توان در سیاست شاهان صفوی دانست؛ زیرا شاهان صفوی با ترویج مذهب شیعه و احترام و تکریم فقها و علما و عدم توجه آنها به مدایح شعرا سبب شدند که شعر در بین خاصه خار و بی‌بها گردد و اکثر مستعدان زمانه از شعر و شاعری باز آیند و به فقه و علم روی آورند و شاعری فقط در بین عامه رواج داشت. در نتیجه موجب گشت که اسالیب قدما و الفاظ و عبارات خاص آنها رفته رفته منسوخ شود و ترکیبات و تعبیرات مخصوص عامه در شعر رواج یابد.

با عمومی شدن شعر، زبان شعر از استحکام ادبی و توجه به ترکیب سازی و صنعت‌پردازی به بیانی ساده و روان تغییر یافت و واژه‌های عامیانه و محاوره‌ای در شعر راه جست:

... به ویژه چون مهم‌ترین عرصه نشر این شعرها، روزنامه‌ها و مجلات است، شعر هم روزنامه‌ای و گزارشی‌گونه است و گاه به مقاله‌ی مقفی یا بیانیه منظوم بدل می‌شود... از سوی دیگر، چون مخاطبان روزنامه غالباً مردم کم‌سوادند، زبان شعر هم باید ساده و نزدیک به محاوره باشد و برای این که شعرها زبان به زبان بگردد و به اطلاع همکاران برسد، باید به سادگی از بر شود. پس باید موزون و مقفی و منظم باشد. صور خیال آن هم لازم نیست که چندان تازه و پیچیده باشد و پر از استعارات و کنایات و صنایع سنگین، بلکه بهتر است تعبیرات آن مستعمل و آشنا باشد تا محل ارتباط و انتقال سریع اطلاعات نشود. اندیشه، درونمایه و موضوع و محتوای شعر هم باید در زمینه مسائل جاری، حوادث زمانه و نیازهای انقلاب و مردم باشد، مانند وطن، آزادی، زن، تجدد، قانون، مبارزه با استبداد و جهل و

خرافات و... [۱۴: ۳۰۷]

نمایشنامه‌نویسی هم به روند ساده‌گرایی ادبیات فارسی در عرصه مشروطه یاری رساند و اصولاً از طریق همین نمایشنامه‌ها بود که لغات عامیانه و محاوره‌ای برای نخستین بار به متون ادبی راه یافت. [۴: ۲۳۶]

راه یافتن شعر به میان مردم کوچه و بازار، سبب شد که در این دوره بیشتر از همیشه نیازها و تمایلات عامه مردم و طبقات محروم جامعه در آن منعکس گردد. این ویژگی وقتی در مجاورت انقلاب روسیه و تحت تأثیر اندیشه‌های کارگری حاکم بر ادبیات بلشویکی قرار گرفت، رنگ و بوی طرفداری از محرومان، کارگران و زحمتکشان را پیدا کرد و آثار ادبی را نسبت به گروه‌های بالا و برخوردار جامعه، کنیه‌ورز و مهاجم نشان داد. [۸۰:

[۶۹]

۲. صراحت: دردها و رنج‌ها و گرفتاری‌های عصر که در نتیجه جنگ‌ها و سیاست‌های استعمارگران روس و انگلیس دامنگیر کشور و دربار شده بود و نیز استبداد شاهان قاجار و غارت سرمایه‌ها و اموال ملی، شاعران رابه عکس‌العمل‌های تند و صریح و گزنده واداشت.

در این دوره به اقتضای حال و هوای انقلابی، نقدها به اوج تندی و صراحت و حتی گاه فحش و ناسزاگویی

می‌رسد. با این تفاوت که در دوره مشروطه، نقدها بیشتر جنبه اجتماعی و طنزآمیز دارد، نه فردی و هجوآمیز. اکثر شعرا و نویسندگان این دوره معتقد به تصریح و مستقیم‌گویی هستند و شیوه‌های غیر مستقیم پند و اندرز را مؤثر نمی‌دانند.^۱

صراحت میرزاده عشقی در مخالفت با نمایندگان مجلس چهارم و نیز اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹م ایران - انگلیس شایان توجه است:

ز انزلی تا بلخ و بم را اشک من گل کرده است	غسل بر نعش وطن خونابه دل کرده است
دل دگر پیرامن دلدار را ول کرده است	بر زوال ملک دارا نوحه خوانی می‌کند
رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت	باغبان زحمت مکش کز ریشه کنند این درخت
میهمانان و ثوق الدوله خونخوارند سخت	ای خدا با خون ما این میهمانی می‌کند

(میرزاده عشقی)

اشعار آتشین میرزاده عشقی بر ضد قرارداد فوق باعث شد که وثوق الدوله که در آن زمان رئیس الوزرا بود، دستور دستگیری او را داد و شاعر به زندان افتاد.

سید اشرف در انتقاد از هیأت دولت وقت سروده است:

این درشکه بشکسته لایق سواری نیست	این سگ گر مفلوک تازی شکاری نیست
این خرسپاه لنگ قابل مکاری نیست	این حریف تریاکی پهلوان کاری نیست

۳. رسانه‌ای بودن: شعر این دوره گزارش‌گونه و روزنامه‌ای می‌شود؛ در واقع هدف شعر این دوره، خبررسانی و آگاه کردن مردم از اخبار و وقایع سیاسی به شیوه ساده و انقلابی آن بوده است، از این رو، عنصر تخیل در آن بسیار کم رنگ است. استاد شفیعی کدکنی، تخیل در عصر مشروطه را بسیار ضعیف می‌داند. اما معتقد است نمونه‌هایی از تخیل تازه در شعرهای میرزاده عشقی مثل «سه تابلو مریم» و «کفن سیاه» و نیز در برخی اشعار ایرج میرزا دیده می‌شود. [۱۰۵: ۵۱]

شاید این یکی از نقاط ضعف شعر مشروطه بود که نتوانست افزون بر نیک کارکرد اجتماعی، زیبایی‌های

۱. استاد قیصر امین‌پور، شعر دوره مشروطه را غالباً شعری موضوعی و موضوعی می‌داند (موضوعی به معنای متداول امروز یعنی با موضع‌گیری آشکار).

شعری را نیز رعایت کند و یا به عبارت دیگر، شعریت خود را حفظ کند.

حتی محمد تقی بهار که اصرار زیادی در حفظ سبک و اسلوب قدیم از حیث صورت داشت، گاه شعرش چندان به نثر نزدیک می‌شود، گویی که اخبار روزنامه یا تاریخ را به نظم درآورده است؛ مثلاً تاریخچه مختصر ایران را از ابتدای سلطنت کیومرث تا آخر مظفرالدین شاه را در یک منظومه بلند نوشته است:

تلگراف اندر زمان ناصرالدین شد درست	پس مظفر شاه گمرک را نمود اصلاح و پست
مردم از بلژیک آورد و به کار انداخت چست	لیک با دربار فاسد کی شود کاری درست
باز اتابک آمد و رفت و بتر شد کارها	چون که عین الدوله آمد بسته شد بازارها

(بهار)

۴. نوجویی: یکی از ویژگی‌های بارز شعر مشروطه، نوگرایی آگاهانه همراه با نقد و طرد سنت است. با وقوع انقلاب مشروطه و تحول در نظام اجتماعی و تغییر مخاطب و عدم توان پاسخگویی شعر به نیازهای تازه، تمایل به دگرگونی در شعر مشروطه احساس شد. پس از این، ادبیات به منزله ابزاری قوی و کاری در خدمت انقلاب قرار می‌گیرد تا واقعیت‌ها را به تصویر کشد.

به این ترتیب، با تغییر شرایط اجتماع و تغییر مخاطب، وظیفه و هدف شعر، ایجاب می‌کند که ابتدا محتوای شعر متناسب با نیازهای زمانه دگرگون شود، اما سبک‌ها و قالب‌های قبلی برای بیان احساسات و مفاهیم جدید مناسب نبود و گویندگان این دوره ناچار شدند تغییراتی نیز در قالب‌ها و اوزان ایجاد کنند.

این نوآوری و تغییر در حوزه زبان و محتوا در شعر دوره مشروطه، عکس العمل‌هایی را از سوی شاعران در پی داشت. برخی نوآوری در شعر را تا حد انتخاب موضوعات تازه برای سرودن فرو کاسته‌اند و برخی نوآوری را محدود به آوردن الفاظ تازه و رایج آن روزگار می‌پنداشتند. اما به طور کلی شعر دوره مشروطه را می‌توان به دو جریان متفاوت تقسیم کرد:

الف) شعر سنت‌گرای معاصر، که از نظر قالب هیچ تفاوتی با شعر گذشته ندارد، ولی از نظر محتوا و مضمون حرف‌های تازه‌ای دارد که سابقه آن را در شعر گذشته فارسی نمی‌توان یافت: مانند شعر ادیب الممالک فراهانی و

بهار و...